

Iranians in India :The Influence of Iranian Agents on the Spread of Islamic-Shiite Culture in the Avadh State

Ahmadreza Behniafar¹

Abstract:

Description of the contribution of Iranians to world civilization and the process of the spread of Iranian culture all over the world is very important for the contemporary scholars .The Indian subcontinent has been one of the closest geographical destinations for Iranian immigrants.According to historical sources ,the gradual migration of Iranian to the Avadh region in the north of the Indian subcontinent and their initial influence in the court of local rulers as well as their access to the political power began from the first half of the twelfth century AH (1134) AH (and lasted to the late thirteenth century AH 1272) AH .(Understanding the Iranian culture and the process of the expansion of the Islamic Iranian civilization is very important for this historical research ;therefore ,the present article intends to answer these questions with a descriptive and analytical approach:

What was the role of Iranian Shiite agents in organizing the political and cultural conditions of the AvadhState?

What strategies have they used to consolidate Iranian-Shiite culture?

In order to achieve the purpose of the study ,the geographical location and historical conditions of Avadh before the arrival of the Iranians is studied, then the role of Iranian immigrants as the agents of Mughal Emperors is considered and the era of monarchy in Avadh under the auspices of the East India Company and also their influence on politics ,culture and civiliza-

1.Assistant Professor
in Damghan Azad
University, Department
of Islamic Studies,
email: behniafar@
yahoo.com



tion is discussed .For example their influence on the evolution of Urdu language and architecture is explained.Due to the geographical importance and historical background of this region ,Avadh in the north of the Indian subcontinent was considered as a suitable region to be influenced by Iranian and Shiite culture and civilization.Historical studies have shown that the role of Iranian agents was affected because the active presence and rule of the Iranians in Avadh as the agents and Kings in very synchronize with the weakness of the Mughal dynasty and the growing power of British colonization in the Indian subcontinent.Although the Iranians were able to take advantage of the Mughal's weakness ,but there was a great obstacle called Britain ,which diminished the influence of the Iranian agents on the culture and civilization of Avadh .British agents confronted the Shiite Iranians by any means ,including rumors ,accusations ,slanders and espionage.Finally ,Iranian Agents were able to organize the political situation of the Avadhstate and they could also take an important step to stabilize the situation by suppressing internal riots ,due to the weakness of the Mughal government ,military and political experience ,intelligence and courage ,as well as loyal companions.Another result of this study is that the beginning of the Avadhmonarchy was associated with the domination of the East India Company over the Avadh kings .Then ,political and military weakness gradually overwhelmed the Avadh government and the British came to dominate the land. It can be concluded that the influence of Iranian agents on the cultural manifestations of Avadhwas due to their Shiite beliefs and their adherence to the religious customs and had religious aspect. That is why it concludes the construction of Imambareh and Hosseiniyah, glorious Muharram mourning, establishment of seminaries and strengthening of the authority of religious leaders.But for the Iranian agents science, art, architecture and the creation of various buildings and roads was also of great importance; so that Lucknow was chosen as the capital after Faizabad and gained more glory than Delhi.Also, due to the Iranian descent of the Nawabs and kings of Avadh, despite the development and growth of Urdu, Persian language and literature still survived and the writing of books in this ancient language continued because of the support of the rulers of Avadh.



Despite existing obstacles such as the influence of the East India Company, it can be claimed that, the presence of Iranian agents in the Avadh state leads to the stabilization of the political system of the Avadh government and the expansion of Shiite thought and the development and promotion of Iranian and Shiite cultural manifestations and examples, strengthening of the political system, as well as the campaign against enemy Aliens.

Keywords: Avadh, India, Iranian Agents, Shiite Culture, Iranian Civilization, Islamic



ایرانیان در هند: تأثیر کارگزاران ایرانی در گسترش فرهنگ اسلامی - شیعی در دولت اوده

احمد رضا بهنیا فر^۱

چکیده

شناخت فرهنگ ایرانی و راه‌های گسترش تمدن ایرانی - اسلامی همواره از بایسته‌های پژوهش‌های تاریخی بوده، اما کم‌توجهی به تأثیر کارگزاران شیعه ایرانی در تحولات سیاسی، فرهنگی و تمدنی سرزمین اوده به‌رغم اهمیت موضوع و به‌رغم کثرت حضور ایرانیان متشیع در سرزمین هند، به‌کمبود بررسی‌های علمی مؤثر در این‌باره انجامیده است. بر پایه منابع تاریخی، مهاجرت تدریجی ایرانیان به منطقه اوده (شمال شبه قاره هند) و نفوذ آنان در دربار فرمان‌روایان بومی آن‌جا و سرانجام فراچنگ آوردن قدرت سیاسی، از نیمه نخست سده دوازدهم قمری (۱۱۳۴) آغاز شد. این بخش از شبه قاره هند، تا اواخر سده سیزدهم (۱۲۷۲)، از نزدیک‌ترین مقاصد جغرافیایی مهاجران ایرانی به‌شمار می‌رفت. این مقاله با توجه به اهمیت تشریح سهم ایرانیان در تمدن جهانی و گسترش فرهنگ ایرانی به دیگر سرزمین‌ها که از مهم‌ترین وظایف محققان معاصر است، با روی‌کردی توصیفی - تحلیلی به این پرسش‌ها پاسخ می‌گوید: «سهم کارگزاران ایرانی شیعی در سامان‌بخشی به اوضاع سیاسی و فرهنگی دولت اوده چه اندازه بوده است؟ ایرانیان شیعه از چه راه‌کارهایی برای تثبیت فرهنگ ایرانی - شیعی در آن سرزمین بهره‌گرفتند؟ بر پایه مستندات تاریخی، تثبیت نظام سیاسی دولت اوده و گسترش تفکر شیعی و توسعه و ترویج مظاهر و مصادیق فرهنگی ایرانی و شیعی را از پی‌آمدهای حضور کارگزاران ایرانی در دولت اوده می‌توان برشمرد؛ چنان‌که حتی نفوذ کمپانی هند شرقی، مانع تأثیرگذاری آنان در تثبیت نظام سیاسی و مبارزه با بیگانگان نبود.

کلیدواژگان

اوده، هند، کارگزاران ایرانی فرهنگ شیعی، فرهنگ و تمدن ایرانی، تمدن اسلامی، کمپانی هند شرقی

۱. گروه معارف اسلامی،
دانشگاه آزاد اسلامی، واحد
دامغان، دامغان، ایران
behniafar@yahoo.com



مقدمه

مهاجرت نخبگان و کارگزاران ایرانی به سرزمین‌های گوناگون شبه قاره هند، موجب تحولات چشم‌گیری در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و تمدنی آن‌جا شد. اوده (Avadh) از مناطق پذیرای ایرانیان شیعه در شمال هند بود که از دید جایگاه جغرافیایی و پیشینه تاریخی، ویژگی‌های ممتازی در سنجش با دیگر قلمروهای شبه قاره داشت و به همین سبب، بدان‌جا توجه می‌کردند نقش‌آفرینی ایرانیان در اوده از ۱۱۳۲ قمری (۱۷۱۹ میلادی) آغاز شد؛ یعنی هنگامی که میرزا محمدمین موسوی معروف به سعادت‌علی‌خان نیشابوری به فرمان محمدشاه گورکانی، به حکومت بر اوده دست یافت. ایرانیان از این زمان، در جایگاه نواب اوده از امپراطوران گورکانی فرمان می‌پذیرفتند و از ۱۲۳۴ قمری (۱۸۱۹ میلادی)، با حمایت کمپانی هند شرقی و از طریق تأسیس ساختار سیاسی «پادشاهی»، به فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و تمدنی در آن‌جا می‌پرداختند.

هدف اصلی این نوشتار، بررسی نقش کارگزاران ایرانی شیعی در تحولات سیاسی و تمدنی دولت اوده و پاسخ‌گویی به چندی سهم تأثیر ایرانیان شیعی مهاجر در سامان‌دهی سیاسی و فرهنگی آن دولت است. برای پاسخ به این پرسش، فرضیه تأثیر ایرانیان متشیع در تثبیت نظام سیاسی دولت اوده و گسترش مظاهر و مصادیق فرهنگی و تمدنی شیعی در این منطقه، به‌رغم مشکلات سیاسی و فرهنگی، مطرح می‌شود. این فرضیه را با استناد به جایگاه جغرافیایی و اوضاع تاریخی اوده پیش از ورود ایرانیان مهاجر و کارگزاران ایرانی با عنوان «نواب امپراطوران گورکانی» و پیدایی دوره پادشاهی با حمایت کمپانی هند شرقی و تأثیرگذاری آنان در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و تمدنی به‌ویژه معماری و زبان اردو، می‌توان اثبات کرد.

پیشینه

با توجه به اهمیت و جایگاه دولت اوده هند در دوره‌های گوناگون تاریخی، پژوهش‌های متعددی درباره‌اش صورت گرفته است که برای ایضاح مسئله پژوهش، گزارش کوتاهی درباره شماری از کتاب‌ها و مقاله‌های مرتبط با موضوع به شرح زیر عرضه می‌شود:

۱. مختصر تاریخ مسلمانان، نوشته آشوری پرشاد
این کتاب به معرفی سرزمین اوده پیش از برپایی دولت در آن‌جا می‌پردازد و درباره اوضاع آن سرزمین و حکومت‌های کوچک خودگردانش به تفصیل گزارش می‌دهد؛ سپس از ورود محمد امین به آن‌جا (بر پایه فرمان محمد شاه و با عنوان استاندار) و شکست دادن حکومت‌های کوچک و پیدایی سلسله‌های شاهان اوده یاد می‌کند.
۲. گذشته لکنهو، نوشته عبد الحلیم
نویسنده خود از کارگزاران دولت اوده و خادم واجد‌علی‌شاه بوده و به همراهی خودش با واجد‌علی‌شاه





اشاره کرده؛ سپس به گزارش احوال پادشاهان اوده (به ترتیب از محمد امین تا برزیش قدر) و اوضاع فرهنگی و اجتماعی روزگار هر پادشاه و روابط او با کمپانی هند شرقی تا زوال حکومتش پرداخته است.

۳. حیات دبیر، نوشته افضل حسین

این کتاب شاعران دوره‌های قدیم و تاریخ شعر و شاعری را گزارش می‌کند و به‌ویژه کار و بار شاعران و سهم تأثیر آنان را در رشد تشیع در سرزمین اوده برمی‌رسد و به شرح حال شاعران فعال و برجسته دولت اوده همچون میرزا دبیر و میرانیس می‌پردازد.

۴. نواب/اوده، نوشته ایروین

نویسنده که از مورخان و محققان هندپژوه غربی بوده، به شرح احوال شاهان این سرزمین به‌ویژه محمد امین برهان الملک و صفات و خدمات او پرداخته و اطلاعات درازدامنی درباره‌اش در این کتاب عرضه کرده است.

۵. تاریخ حق‌نما، نوشته سید فیاض علی خطبی

این کتاب در سه بخش شیعیان دولت اوده را بازمی‌شناساند: ۱. اوضاع و احوال شیعیان پیش و پس از دولت اوده؛ ۲. کارهای غفرانماب در راه تبلیغ اسلام؛ ۳. تأثیر شاهان اوده در رشد تشیع.

۶. «استعمار انگلیس و حکومت شیعی اوده»، نوشته محمدحسین منظور الاجداد و منصور طرفداری نویسندگان این مقاله، علل و نتایج سلطه استعمار انگلیس را بر حوزه حکومتی شیعیان اوده بررسی کرده و آن را معلول ضعف قدرت اورنگ زیپ و تزلزل ارکان امپراطوری مغولان هند بر اثر تقسیم قلمرو امپراطوری میان فرزندان، دانسته و استنتاج کرده‌اند که سقوط حکومت اوده مانع نفوذ تدریجی ره‌آوردهای مدرنیته در فرهنگ شیعیان شد و آنان را بدون پشتوانه، به اقلیتی مستضعف در قرن بیستم بدل کرد.

۷. «زبان و ادبیات فارسی در سرزمین اوده» نوشته ابولقاسم رادفر

این مقاله به بررسی شکوفایی زبان و ادبیات پارسی در دوران شیعیان اوده و نقش نواب و پادشاهان ایرانی‌نژاد اوده در توسعه و تحول شعر و نثر فارسی پرداخته و گزارش‌هایی درباره تذکره‌ها، کتاب‌های تاریخی و لغت و دیگر منابع ادب فارسی (همراه با نمونه‌هایی از شعر و نثر) عرضه کرده است.

۸. «اوضاع سیاسی و ادبی در دربار اوده هند» نوشته غلام محمد پاکستانی

این مقاله مخاطب را در شناخت ماجرای حضور ایرانیان در آن قلمرو، بسی کمک می‌کند. کوشش نویسنده در این اثر به بررسی اوضاع سیاسی و ادبی اوده در دوران نواب و پادشاهان آنجا معطوف بوده و این اوضاع را در فهرست نام صوبه‌داران و پادشاهان آن سرزمین (از محمد امین برهان الملک تا واجد علی‌شاه) گزارش کرده است.





جایگاه جغرافیایی

اوده (Avadh - Oudh) بخشی بزرگی از فلات اَبْرُفتی شمال هند است که گذشتگان آن را ایودیا، ایودهیه یا اجودهیا^۱ می‌خواندند و از هفت شهر مقدس هندوان می‌شمردند. این سرزمین از شمال به ولایت نپال، از غرب به ولایت آگره، از جنوب به ولایت الله‌آباد و از شرق به ولایت گوکھپور و بنارس محدود است (فرشته، ۱۳۸۸: ۶۳۶).

پرشاد کنور درباره مرزهای جغرافیایی اوده نوشته است: «از شرق به بیهار، از غرب به قنوج، از جنوب به مانک پور و از شمال به کوه‌های هیمالیا منتهی می‌شود و تقریباً ۲۷۰ مایل طول و ۲۳۰ مایل عرض داشت» (کنور، ۱۹۹۲).

این سرزمین در ۲۵° و ۳۴° تا ۲۸° و ۴۲° عرض شمالی و ۷۹° و ۴۴° تا ۸۳° و ۹۰° طول شرقی است و جز چهار رودخانه بزرگ گنگ، گومتی، گوگرا و راپتی، رودخانه‌های کوچک دیگری را نیز در بردارد که سرچشمه بیش‌تر آنها هیمالیا است (ندوی، ۱۳۷۹: ۸). اوده آب و هوایی معتدل، زمینی حاصل‌خیز، جنگل‌هایی انبوه، کوه‌هایی بلند و رودخانه‌های پُر آب و جمعیتی فراوان داشته است و به همین سبب، همه پادشاهان به این منطقه نظر داشته‌اند. اوده امروز کنار رود گوگرا در شهرستان فیض‌آباد و بخشی از استان اوترا پرادش هند است (Tohns, 1907: 20).

پیشینه تاریخی

دولت اوده از مهم‌ترین دولت‌های مسلمان شیعی شمال هند و در سده‌های پنجم و ششم پیش از میلاد؛ یعنی در عصر عظمت مذهب بودا در هندوستان، پایتخت شاهان کُسالآ بود و مورخان هندی آن را شهر باستانی ساکتا دانسته‌اند که زمانی مسکن بودا بود. فاهی سین جهان‌گرد چینی که سده پنجم پیش از میلاد به اوده رفته بوده، از صد معبد بودایی در آن‌جا گزارش کرده است (صدرحاج سید جوادی، ۱۳۷۵: ۲، ۵۹۴) به گزارش حماسه راماین، پدر رام قهرمان هندوان در این شهر پادشاهی می‌کرد و رام در آن‌جا متولد شد (فرشته، ۱۳۸۸: ۶۳۴).

از ورود اسلام به اوده آگاهی دقیقی در دست نیست، اما عبدالرحمان چشتی گفته است اوده در دوره محمود غزنوی (۳۸۹-۴۲۱ ق) به فرمان‌دهی سالار مسعود غازی فتح شد و منہاج سراج تاریخ تصرف اوده را دوره قطب‌الدین ایبک دانسته است (جوزجانی، ۱۳۶۳: ۲۵۹). غیاث‌الدین محمدشاه دوم پادشاه تُلقیان، اواخر قرن هشتم هجری قمری (۷۹۷ ق) خواجه‌جهان شرقی را والی اوده خواند و این سرزمین تا نود سال در فرمان سلسله شرقی جونپور بود تا اینکه بهلول لودی سلسله شرقی را سرنگون کرد (۸۸۹ ق) و اوده به قلمرو شاهان لودی پیوست (سیرهندي، ۱۳۸۲، ۱۵۶-۱۵۷). پس از حمله تیمور به دهلی و ایجاد ناامنی و هرج و مرج (فرشته، ۱۳۸۸: ۵۲۵-۵۲۸)، مردمان بسیاری از سرزمین‌ها به‌ویژه اوده استقلال خود را از حاکمیت اعلام کردند و خواجه‌جهان خود را پادشاه اوده و جونپور را پایتخت

۱. ایودهیده مرکب از آ + یوده به معنای جنگ‌جو و شجاع است.





خودش خواند (آشوری، ۱۹۵۶: ۷).

اوده در دوران حاکمیت گورکانیان نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود؛ چنان‌که آنان حاکم آن‌جا را مستقیم برمی‌گزیدند. به تعبیر دیگر، فرمانروایان دهلی بر اثر جایگاه طبیعی و جغرافیایی به‌ویژه آب و هوای معتدل، زمین‌های حاصل‌خیز کشاورزی، کوه‌های فراوان، رودخانه‌های پُرآب، جنگل‌های انبوه و جمعیت فراوان این سرزمین، همواره به آن نظر داشتند.

پس از اینکه اورنگ زیب در دوره گورکانیان پادشاهی‌های شیعه دکن را شکست داد، حکومت شیعه دیگری به نام پادشاهی اوده در شمال هند به قدرت رسید که نخستین پایتختش، فیض‌آباد و پس از آن، لکهنو بود. حکومت اوده در تاریخ تشیع هند از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا این پادشاهی پیوندی میان امپراطوری مغول و تشیع امروزی هند به شمار می‌رود و کانون شناخته‌آن، لکهنو است (Hollister, 1979:172). تاریخ اوده دوره گورکانیان را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

۱. آغاز پیدایی نواب اوده تا پایان عهد سعادت‌علی‌خان (۱۲۲۹ ق) که حکام اوده به فرمان نواب پادشاه گورکانی و کمپانی هند شرقی تعیین می‌شدند؛ ۲. دوره غازی‌الدین حیدر که عنوان پادشاهی‌اش را مستقیم از کمپانی هند شرقی دریافت.

چگونگی قدرت‌گیری ایرانیان در اوده

بنیادگذار دولت اوده میر محمدامین موسوی از خانواده‌های اصیل سادات بود که به امام موسی کاظم (ع) نسب می‌برد. پس از هجرت بسیاری از ایرانیان به هند در عهد صفویه، گورکانیان که دوست‌دار اهل قلم، فن و هنر بودند، آنان را گرمی داشتند و حتی در زمان‌های بحرانی، ایرانیان را از هندیان برتر می‌نشانند که شاید دلیلش فرمان‌پذیری آنان بود؛ زیرا آنان از خارج برای کار و تجارت به هند رفته بودند و پشتیبان مستقلی نداشتند (کنور، ۱۹۹۲: ۳۸). محمد نصیر داماد وزیر شاه عباس دوم صفوی در همین زمان همراه با پسرش محمدباقر به هند رفت و در پتنه (منطقه‌ای در شمال هند) از مرشد قلی‌خان کمک خواست. محمد امین پسر دیگر محمد نصیر نیز به پتنه رفت. محمد امین نتوانست در پتنه کار درخوری بیابد و بنابراین، به دهلی رفت و مهم‌ترین کارهای لشکری را در دوران حکومت محمدشاه گورکانی به او سپردند. او نیز هرگز محمدشاه را ناامید نکرد، بلکه در جنگ‌ها به پیروزی رسید.

میر محمد امین موسوی شورش آگره را پایان داد و به مقام سرداری لشکر دست یافت و پس از شکست دادن راجای الله‌آباد به مقام فرمان‌دهی کل لشکر رسید و محمدشاه او را «سعادت‌خان» خواند (کنور، ۱۹۹۲: ۳۹). محمدشاه پس از این روی‌داده‌ها به محمد امین بسیار اعتماد کرد و حکومت و ولایت آگره را به وی سپرد (کنور، ۱۹۹۲: ۳۷ و ۳۹).

ناآرامی‌هایی در این زمان در اوده پدید آمد و فرمان‌داران آن‌جا بر حاکمیت شوریدند. محمدشاه سعادت‌خان را برای سرکوبی شورش‌ها به اوده فرستاد و او توانست شورشیان را سرکوب کند و از این‌رو،





محمدشاه گورکانی او را «بهادر» لقب داد و میرزا محمد امین را به حکومت اوده گمارد (۱۱۳۴ ق) و او با عنوان برهان الملک حکومت اوده را بر عهده گرفت و از این زمان به بعد حکومت نواب اوده در شهر فیض آباد آغاز شد (جعفریان، ۱۳۸۸: ۵۹۳). هنگام یورش نادرشاه به هند، میرزا محمدمین میان وی و محمدشاه گورکانی وساطت و صلح برقرار کرد و نماینده «تام الاختیار» دو پادشاه شد. سرانجام میرزا محمد امین (سعادت علی خان) به علتی ناشناخته درگذشت (۱۱۵۲ ق) (Marshman, 1882: 105). نشان پادشاهی سعادت علی خان، نقش ماهی بود. ماهی از زمان تیمور، نشان شهریاری به شمار می‌رفت (Sleeman, 1858: 135) با توجه به جایگاه برجسته اوده در تاریخ لکنهو، طرح‌های گوناگون ماهی در هنر معاصر این ایالت نیز به کار گرفته می‌شد. دولت اوتراپرادش هم نقش ماهی را به نشان دودمان اوده بدل کرده بود (Hollister, 1979: 124).

نقش سیاسی و فرهنگی ایرانیان در جایگاه نواب اوده

پس از مرگ سعادت علی خان و هنگام حاکمیت نادر بر دهلی، برادرزاده سعادت علی خان و محمد مقیم ابوالمصور معروف به منصور علی خان مدعی جانشینی بودند. محمد مقیم کمابیش پانزده سال نایب سعادت علی خان در اوده و از تجربه نظامی و سیاسی بسیاری برخوردار بود. نادرشاه نیز مشروط به پرداخت دو میلیون روپیه هدیه، حکومت اوده را به محمد مقیم سپرد و پس از بازگشت او به ایران، محمدشاه گورکانی محمد مقیم را «صفدر جنگ» خواند (نرائن، ۱۹۶۰: ۲۲).

او از نخستین نواب وزیرهای اوده و وزیر امپراطور گورکانی بود و به پاس خدمتش به پادشاه گورکانی در فراچنگ آوردن سلطنت دهلی، از لقب فرمانده توپخانه «امیر آتش» برخوردار شد. وی شیعه‌ای متقی و به آداب مذهبی پای‌بند بود (Sirvastava, 1974: 255).

بسیاری از حکام و زمین‌داران در آغاز حاکمیت او بر اوده، شوریدند، اما صفدر جنگ بر اثر هوش، زیرکی و دلیری و به واسطه همراهان وفادارش، شورشیان را شکست داد و از این‌رو، محمدشاه حکومت کشمیر را نیز به وی واگذار کرد. هنگامی که صفدر جنگ بر اوده حکم می‌راند، دشمنانش به امپراطور گزارش کردند که او در پی برکشیدن و روی کار آوردن بلند اختر برادر کوچک شاه است که شیعه بود. امپراطور متأثر از این گزارش‌ها، او را از مقام وزارت و امیرآتشی (فرمانده توپخانه) عزل کرد و به همین سبب، چالش‌هایی میان شیعیان و اهل سنت پدید آمد و صفدر جنگ رهبری شیعیان و ایرانیان را بر عهده گرفت (Elphinstone, 1843: 735-736)، اما پس از اینکه محمدشاه لباس خلعت برای صفدر جنگ فرستاد، او دوباره به اوده بازگشت (Hoey, 1889: 233).

وی نظامیان و حقوق آنان و به کار و بار عالمان و شاعران بسی اهتمام می‌کرد. او سرانجام در فیض آباد درگذشت (۱۱۶۸ ق) و جنازه‌اش را مدتی در باغی زیبا پوشیده از گل سرخ نگاه داشتند؛ سپس به دهلی بردند و نزدیک قبر همایون، پادشاه گورکانی به خاک سپردند (نرائن، ۱۹۶۰: ۲۳-۲۴). بهادر شاه، پادشاه گورکانی پس از صفدر جنگ فرزند او شجاع الدوله را تأیید کرد، اما با توجه به اوضاع





بی‌سامان دربار دهلی، وی از دربار جدا شد و به اوده رفت. این توجه موجب قدرت گرفتن دولت اوده شد؛ چنان‌که که دیگر دولت‌ها به هنگام ضرورت از اوده کمک می‌گرفتند. گسترش مناسبات نواب اوده با کمپانی هند شرقی و لرد هیستینگر حکمران کل هند، از برجسته‌ترین ویژگی‌های دوره اوست. این مناسبات در آغاز کار دوستانه نبود و به برخورد نظامی دو طرف انجامید، اما با توجه به تجهیزات نظامی پیش‌رفته کمپانی هند شرقی و ضعف نظامی دولت اوده، شجاع الدوله با کمپانی صلح کرد و مقرر شد شجاع الدوله ۱۵۰ هزار روپیه به کمپانی غرامت بدهد، انگلیسی‌ها در سراسر منطقه اوده به تجارت بپردازند، در رویارویی با قدرت سوم، هر دو به یک‌دیگر کمک کنند و استان‌های الله‌آباد و گورکمپور و توابع آنها به کمپانی واگذار شود (Birdwood, 1915:20).

پس از آن شجاع الدوله به جای دهلی، بیش‌تر به مرکز حکومت (فیض‌آباد) معطوف شد و به توسعه و ارتقای آن پرداخت؛ چنان‌که هیچ یک از ولایات هند مانند اوده از آن اندازه ثروت و نعمت برخوردار نبود و همین عامل در مهاجرت هنرمندان و اهل علم به‌ویژه ایرانیان و شیعیان به اوده بسیار تأثیر گذارد (Hoey, Op.Cit, II, pp. 8-9).

شجاع الدوله در این مدت کوشید بر توان نظامی خود بیافزاید و به همین سبب توانست شورشیان منطقه مرهته را سرکوب کند تا اینکه سرانجام در ۴۶ سالگی درگذشت و در خاک گلاب‌باری فیض‌آباد جای گرفت (کنور، ۱۹۹۲: ۶۰). آصف الدوله فرزند شجاع الدوله که پس از پدرش به قدرت رسید (۱۱۸۸ ق)، ولی‌عهد شجاع الدوله و پس از وی نیز از نواب اوده بود. شجاع الدوله پیش از مرگش بر اثر دخالت کمپانی هند شرقی در امور داخلی اوده و بر اثر احساس خطر برای فرزندش، به ژنرال وران هئینگر نامه نوشت و در آن تأکید کرد که آصف الدوله وارث اوست. دخالت‌های فراوان کمپانی در دولت اوده موجب شد که مواد دیگری به قرارداد پیشین (عهد شجاع الدوله) افزوده شود؛ مانند پرداخت ۲۶۰ هزار روپیه به کمپانی، تسلط انگلیسی‌ها بر بنارس، غازی‌پور و جونپور و مهم‌تر از اینها، اینکه کمپانی، افسران و سرداران اوده را تعیین کند. سرکشی منصب‌داران از فرمان آصف الدوله و جاسوسی آنان برای دولت انگلستان، از مهم‌ترین مشکلات دولت اوده در این دوره بود (کنور، ۱۹۹۲: ۶۴).

آصف الدوله پایتخت را از فیض‌آباد به لکهنو برد؛ زیرا از سویی می‌خواست از جداهش دور باشد؛ زیرا جداهش با بیش‌تر کارهای وی موافق نبود و از سوی دیگر، به شهر کهن فیض‌آباد علاقه‌ای نداشت (Hollister, 1979:177).

مهم‌ترین ویژگی آصف الدوله علاقه وی به ساختن عمارات مختلف بود که با شکوه‌ترین آنها امام‌باره بزرگ آصف الدوله است. این ساختمان تالاری بسیار گسترده و مجلل (با طول ۵۰ و عرض ۱۵/۳ متر) داشت و ایوان‌هایی (با طول ۸ و عرض ۸/۳ متر) دو طرف آن بود که حجره‌های هشت‌گوشه‌ای (با عرض پانزده متر) در بخش پایانی آنها ساخته بودند. برای ساخت این عمارت یک میلیون لیره هزینه شد و معماران متعددی فراخوانده شدند تا طرح‌های پیش‌نهادی خود را عرضه کنند تا اینکه سرانجام طرح معماری به نام کفایت‌الله در این‌باره پذیرفته شد. مناسک محرم در مسجد این





امام‌باره برگزار می‌شد. بناهای دیگری همچون رومی دروازه، حسن‌باغ، بی‌بی‌پورکوتی، چینه‌توتی و اقامت‌گاه نماینده دولت انگلیس هم در این دوره ساخته شد (Hollister, 1979: 178-179).

کسانی آصف الدوله را متأثر از حکمرانان انگلیسی می‌دانند که برای پرداخت وجوه نقد به کمپانی هند شرقی نظامی تعلقدار را پدید آورد؛ چنان‌که انحطاط پادشاهی اوده از آغاز شد (Irwin, 1880: 87). آصف الدوله پایتخت دولت اوده را از فیض‌آباد به لکهنو برد و شکوه دربار لکهنو در سنجش با دهلی، فزونی گرفت؛ چنان‌که برخی از صاحب نظران غربی در نوشتن تاریخ اواخر عهد مغول از آثار مورخان اوده استفاده می‌کردند.

زین‌العابدین خان پزشک معروف مشه‌دی که از سادات نیز بود، در رونق لکهنو و گسترش علم و هنر به‌ویژه طبابت، مهارت بسیاری داشت و در رشد و توسعه علمی و فرهنگی دولت اوده بسیار تأثیر گذارد. نواب اوده از زمان صفدر جنگ به او توجه می‌کردند و به‌رغم اینکه مدتی در بنگال می‌زیست، دوباره به لکهنو بازگشت (Hollister, 1979: 180).

پس از آصف الدوله، فرزندش وزیر علی را جانشین پدر می‌شناختند که بر اثر متهم شدنش به ضدیت با منافع انگلستان و بی‌بند و باری و زنازادگی، معزول و به بنارس تبعید شد (Irwin, 1880: 100-101)، اما به‌واقع او را به دلیل مخالفتش با انگلیسی‌ها از کار برکنار کردند دولت انگلستان بنابر سیاست رایج خود، برای رسیدن به هدف از هر راه ممکن سود می‌برد. بنابراین، او را در آغاز به زنازادگی متهم؛ سپس عزل و به بنارس تبعید کرد؛ چنان‌که او سرانجام در زندان درگذشت. سعادت علی‌خان برادر ناتنی آصف الدوله نیز به باده‌گساری معروف و در پی واگذاری قدرت به کمپانی هند شرقی بود و به همین سبب برخی از نواحی اوده (معروف به نواحی الحاقی) را به آن کمپانی سپرد و ارتش آن سرزمین‌ها را جایگزین سپاهیان نواب کرد.

او پس از مدتی بیماری و افسردگی، نزد آرام‌گاه حضرت ابوالفضل العباس (ع) نذر کرد که دست از خوش‌گذرانی بردارد و توبه کند و به امور حکومتی بپردازد و به این نذر وفا کرد و در زمان مانده سال‌های عمرش مملکت را به شیوه‌ای مطلوب اداره کرد و همین نوع مدیریت، به رونق علمی و هنری لکهنو در زمان او انجامید (Sleeman, 1858: 308).

کارگزاران ایرانی در جایگاه شاهان اوده

نواب اوده تا دوران سعادت علی‌خان در برابر امپراطوری گورکانیان در دهلی فرمان‌پذیر بودند، اما غازی‌الدین حیدر با حمایت کمپانی هند شرقی در ۱۲۳۵ قمری مشروط به پذیرش ضوابط دوره سعادت علی‌خان، خودش را پادشاه خواند و در زمان پادشاهی او، نظام تعلق‌داری جان تازه‌ای گرفت. او ارزش‌ها و خواست‌های انسانی را ارج می‌نهاد و علم و ادب به‌ویژه فلسفه شرق را مهم می‌شمرد. خدمت اصلی او در زمینه معماری لکهنو، بنیادگذاری امام‌باره شاه نجف بود که سرانجام خودش و سه تن از همسرانش همان‌جا به خاک سپرده شدند (کنور، ۱۹۹۲: ۷۳-۷۴).





هنگام حکمرانی نصیرالدین حیدر دومین پادشاه اوده، کمپانی هند شرقی شایع کرد که بر اثر عیاشی و ناشایستگی وی، تاج و تخت اوده به فرد دیگری سپرده خواهد شد. البته این شایعه در عمل محقق نشد. گویی زبردستان وی؛ یعنی افسران و وزیران اوده که کمپانی هند شرقی آنان را تعیین می‌کرد و به آنان مواجب می‌داد، شایعه‌سازان اصلی در این باره بودند و پادشاه اوده هرگز به آنان اعتمادی نداشت و به همین سبب، ناگهان آنان را کنار نهاد. نصیرالدین حیدر در پی گسترش فرهنگ انگلیسی بود، اما به‌رغم این علاقه، برای طلاب مراکز علمی - دینی مقرری تعیین و برده‌فروشی را لغو کرد و به ترویج علم، ادب و هنر پرداخت (Brown, 1920: 250-251).

پس از مرگ نصیرالدین (۱۲۵۳ ق) همسر او (پادشاه بیگم) به دنبال نشانیدن مونجان فرزندش بر تخت پادشاهی بود که البته بر اثر مخالفت کمپانی هند شرقی، این زمینه کام‌یاب نشد و مناقشه در این باره به اندازه‌ای بالا گرفت که سپاهیان اوده و ارتش کمپانی برای جنگ با یک‌دیگر صف آراستند و پس از شجاع‌الدین، نخستین درگیری میان دولت اوده و کمپانی روی داد (کنور، ۱۹۹۲: ۱۵۷). سرانجام پادشاه بیگم و فرزندش را به جای دیگری فرستادند و در آن‌جا زندانی کردند (Irwin, 1928: 127-188) و نصیرالدوله (از برادران غازی‌الدین ملقب به محمد علی‌شاه) با پشتیبانی کمپانی به شاهی رسید. بنابراین، کمپانی دایره اختیارات او را بسیار محدود کرد و حتی از این شاه تازه تعهد گرفت که همه شروط کمپانی را بپذیرد (کنور، ۱۹۹۲: ۱۶۱). البته او به خدماتی ستودنی برای اوده دست زد (کنور، ۱۹۹۲: ۱۶۲). برای نمونه، مقبره باشکوهی برای مادرش ساخت، موقوفاتی برای آن تعیین کرد تا مخارج قاریان قرآن را از محل آنها بپردازند و نیاز خدمه مقبره را نیز تأمین کنند. این مقبره به «امام‌باره حسین‌آباد» شناخته و خودش نیز در آن‌جا مدفون شد (Irwin, 1880: 135).

چهارمین شاه اوده امجد علی شاه فرزند محمدعلی‌شاه بود که در روزگار او احکام تشیع در سرزمین اوده اجرا می‌شد؛ یعنی تا این زمان بر پایه رسم امپراطوری گورکانی سنی‌مذهب، یگانه مفتی اوده از اهل تسنن بود و در همه مسائل، بر اساس فقه اهل سنت رأی می‌داد، اما امجد علی‌شاه مجتهدی شیعه را به جای او نشانند و از این پس جز هنگامی که هر دو طرف از اهل سنت یا یکی از آن دو هندو بود، احکام تشیع در اوده اجرا می‌شد (Hollister, 1979: 183). او با ساخت پل آهنی بر نهر گومتی و ایجاد جاده‌ای بزرگ میان لکهنو و کانپور، زمینه پیش‌رفت تجارت و سهولت حمل و نقل کالا را فراهم کرد و اندوخته دولت اوده در روزگار او فزونی گرفت. روی سکه‌های دوره او، نقش ماهی و عبارت «امجد علی، شاه جهان، پناه عالم، ظلّ الله» ضرب شده بود (Brown, 1920: 254). پس از مرگ امجد علی‌شاه، پسر ارشد وی مصطفی علی حیدر بر اثر جنون از سلطنت محروم شد (Brown, 1920: 254-255) و واجد علی‌شاه، پسر دوم سلطان به جای او بر تخت پادشاهی اوده نشست.

کمپانی هند شرقی در دوره واجد علی‌شاه به دنبال بهانه‌ای بود تا اوده را به چنگ آورد. از این رو، تأکید می‌کرد که شاه بیماری علاج‌ناپذیری دارد که پزشکان از تشخیص و مداوای آن عاجزند و مشاعر شاه ضعیف شده و او اعتدالش را از دست داده است (Sleeman, 1858: 310) پادشاه در برابر چنین





سیاستی، پادشاه در تقویت سپاه، رفع مشکلات مردم و توجه به علم و فرهنگ بومی بسیار کوشید، اما سرانجام نتوانست حکومت خود در اوده نگاه دارد، بلکه کمپانی وی را از پادشاهی عزل کرد (۱۸ رجب ۱۲۷۳ / ۴ فوریه ۱۸۵۶) و او راهی کلکته شد. بنابراین، همسرش حضرت محل، پسر نابالغ خود را به نام رمضان علی (معروف به برجیس قدر) جانشین پدرش و شاه اوده خواند و حتی با سپاهیان کمپانی درگیر شد، شکست خورد و به نپال گریخت. بنابراین، پس از واجد علی شاه دوران حکومت اوده پایان یافت و کمپانی بر سراسر اوده چیره و واجد علی شاه نیز در کلکته ماندگار شد.

اوده آخرین سرزمین خودمختار هند بود که به مستعمرات انگلستان پیوست و از آن پس، نام اوده را به «اتراپرادیش» مبدل کردند و به تدریج سراسر منطقه به همین نام تازه، خوانده شد.

کارگزاران ایرانی شیعه و تحول فرهنگی اوده

اوده خاستگاه و جایگاه زندگی شخصیت‌های برجسته مسلمان بود و گسترش فرهنگ اسلامی در این سامان در روزگار حکومت نواب شیعه‌مذهب، به اوج رسید؛ چنان‌که آنان بخشی از آوازه خود را بر اثر توجه به اهل مذهب، علم، ادب و هنر به دست آوردند و دربارشان جایگاه مشاهیر برجسته‌ای چون سراج‌الدین علی متخلص به «آرزو»، اشرف علی‌خان متخلص به «فغان»، میرزا محمد رفیع سودا شاعر و نویسنده اردو و فارسی‌زبان، سید محمد بلگرامی، سید انشاء الله‌خان، رجب علی‌بیگ سرور، اصغر علی‌خان نسیم دهلوی، نواب محمدخان زند، منطوق علی‌خان اسیر و هاریچاران داس نویسنده چهارگلزار بود که از دهلوی و دیگر سرزمین‌های هند به آن‌جا هجرت کرده بودند. گرایش به شعر و ادب و ارج‌گزاری شاعران و ادیبان، از مهم‌ترین ویژگی‌های فرهنگی حکمرانان ایرانی تبار اوده بود؛ چنان‌که با توجه به پیشرفت زبان اردو و ضعف و زوال زبان فارسی پیش از حاکمیت نواب و شاهان اوده، روزگار آنان را عصر زرین زبان و ادبیات فارسی می‌خوانند؛ زیرا آنان بر اثر ایرانی بودن و علاقه‌مندی به زبان و ادبیات فارسی نه تنها به شعر و ادب و علوم فارسی توجه می‌کردند که خود نیز سخن‌دان و سخن‌شناس بودند و از این‌رو، آثار گوناگون نظم و نثر فارسی در این دوره تصنیف و تألیف شد.

دوران نیابت و پادشاهی غازی‌الدین حیدر را از مهم‌ترین اعصار تحول فرهنگی - هنری اوده می‌توان برشمرد. او با موافقت انگلیسی‌ها، به جایگاه نخستین پادشاه اوده منصوب شد و بر اثر تغییر رویکرد انگلیسی‌ها و درگیری آنان در دیگر بخش‌های شبه قاره، زمینه‌ای برای پرداختن به امور فرهنگی و هنری فراهم آمد؛ چنان‌که لکهنو در شکوه و پویایی هنری و فرهنگی بر دهلوی برتری یافت و در ادوار بعد به شدت توسعه یافت. عالمان و مجتهدان در روزگار او، کتاب‌های ارزنده‌ای در مقولات (حدیث و فقه) و معقولات نوشتند و خود او هم پادشاهی عالم و شاعر بود که تصانیفی داشت؛ مانند هفت قَلْم (در فرهنگ لغات فارسی) و تاج اللغات (در فرهنگ زبان عربی) (رادفر، ۱۳۸۰: ۷۱). هم‌چنین خلیل‌الله‌خان که در ریاضی و هیئت چیره‌دست بود، مرآت الاقالیم را در جغرافیای اوده و علم هیئت نوشت. شکوفایی ادب فارسی در فیض‌آباد موجب شد که شخصیت‌های برجسته‌ای همچون سراج‌الدین



علی‌خان آرزو صاحب آثار مهمی در لغت، تذکره، نقد ادبی، بلاغت و دستور زبان فارسی به آن‌جا سفر کنند (نقوی، ۱۳۴۳: ۳۲۳-۳۲۵).

نواب و شاهان اوده از دوران سعادت علی‌خان در لکهنو «تائپ» (ابزار تحریر) و «لیتهو» (چاپ‌خانه) و چاپ سنگی را برای انتشار کتاب و نوشته پدید آوردند و چاپ‌خانه‌های تازه‌تری نیز در دوره نصیرالدین حیدر پیدا شد و کتاب‌های کمیاب عربی و فارسی به چاپ رسید (نجم‌الغنی خان، ۱۹۷۹: ۲۲۷). منشور کردن چکیده‌ای از شاه‌نامه نیز از مهم‌ترین کارهای عهد نصیرالدین بود.

دولت اوده به‌ویژه محمد امین برهان‌الملک بنیادگذار دولت اوده که خود از سادات بود، خدمات شایسته‌ای به تشیع رساند. شاهان اوده با ساختن امام‌بارها و حسینیه‌ها، اجرای مناسک عباداری، تأسیس حوزه‌های علمیه برای حفظ آداب و معارف شیعی و تلاش برای رونق گرفتن آنها در عتبات با کمک‌های مالی، پشتیبانی عالمان و اندیشه‌ورزان و جای‌گزینی قانون‌های شیعی با قانون‌های سنی حنفی از زمان محمد علی‌شاه (۱۲۷۴-۱۲۸۵ ق)، فرهنگ شیعی را در شبه قاره هند گسترده‌تر کردند.

تأسیس و توسعه امام‌بارها و حسینیه‌ها، از مهم‌ترین کارهای فرهنگی نواب و شاهان اوده بود؛ چنان‌که امام‌باره حسین‌آباد دومین عمارت بی‌مانند لکهنو یادگار دوران پادشاهی محمدعلی‌شاه است. او دوازده لک روپیه به خزانه انگلیس سپرد و با بهره آن امام‌باره حسین‌آباد را ساخت.

مهم‌ترین کار فرهنگی شیعیان ایرانی اوده، اهتمام آنان به مجالس عباداری و مرثیه‌خوانی بود. آنان در محرم مناسک تعزیه و عباداری بر پا می‌کردند و مرثیه‌خوانی و استفاده از طبل و نقاره در تعزیه‌ها در اوده رایج بود. شجاع‌الدوله از نواب اوده، خودش جامه سیاه می‌پوشید و با سر و پای برهنه، علم برمی‌داشت و نوحه می‌خواند. این نوع عباداری ایرانی بعدها در سرزمین هند رایج شد. مدارس مذهبی نیز در عهد او بنیاد گرفت و علما و فضیلاي مذهبی امامیه در این مراکز آموزشی به کارهای تبلیغی سرگرم شدند و از این‌رو، عباداری و مرثیه‌گویی گسترش یافت.

واجد علی‌شاه از شاهان برجسته اوده نیز در اجرای کارهای یگانه بود. او در درازنای زندگی‌اش همواره به عباداری برای شهادت امام حسین (ع) التفات می‌رساند و فراوانی لک و روپیه در این زمینه هزینه می‌کرد. برای نمونه، امام‌بارهای به نام «قصر الغزاء» ساخت که به تکایای ایرانی بسیار شبیه بود.

شماری از عالمان نیز برای کمک به شاهان اوده از ایران به هند هجرت کردند. برای نمونه، شیخ محمدمهدی استرآبادی به هند رفت (۱۲۴۰ ق) و غازی‌الدین حیدر به پیشوازش آمد. وی در لکهنو مسکن گرفت و در همان‌جا درگذشت و در جایگاه مرجع تقلید، همه عمرش را در نوشتن و پروردن طلاب گذراند و بیست کتاب در علوم گوناگون نوشت (تهرانی، ۱۴۰۸: ۲، ۲۲۰).

شکوفایی هنر معماری اوده از دوره نواب آغاز شد که خود دنباله سبک دهلی بود. آثار فراوانی از آن دوره بر جای مانده است که بیش‌تر آنها مذهبی (امام‌باره) اند. شبیه‌سازی آرام‌گاه‌های امامان شیعه در مناطق گوناگون از دیگر آثار مذهبی آن‌جاست (Koch, 1994, 132).

مهم‌ترین افتخار شیعیان هند به‌ویژه اوده مبارزه با استعمار انگلستان بود. قیام شجاع‌الدوله در برابر





انگلیسی‌ها، مبارزه با استعمار بریتانیا برای جلوگیری از تسلط بر منطقه اوده در روزگار واجد علی‌شاه به کمک مادرش (ملکه)، جنگ حضرت محل همسر واجد علی‌شاه با سپاهیان کمپانی هند شرقی و...، از برجسته‌ترین مصادیق جنگ دولت‌مردان شیعی اوده با استعمار است.

نُواب و شاهان اوده		
سال قمری	سال میلادی	نواب وزیرهای اوده
1132-1151	1737-1719	سعادت خان برهان الملک
1151-1166	1753-1737	نواب صفدر جنگ
1166-1188	1775-1753	نواب شجاع الدوله
1188-1212	1797-1775	نواب آصف الدوله
1212-1212	1798-1797	نواب وزیر علی خان
1212-1229	1814-1798	نواب سادات علی خان
1229-1234	1819-1814	نواب غازی الدین حیدر
سال قمری	سال میلادی	شاهان اوده
1234-1243	1827-1819	سلطان غازی‌الدین حیدر
1243-1253	1837-1827	سلطان نصیر الدین حیدر
1253-1258	1842-1837	محمد علی شاه
1258-1263	1847-1842	امجد علی شاه
1263-1272	1856-1847	واجد علی شاه

معماری اوده متأثر از حضور کارگزاران ایرانی شیعی

اوده بر اثر پیشینه تاریخی و جایگاه مذهبی‌اش نزد هندوان و بوداییان، آثار مهمی از روزگاران پیش از گسترش اسلام در آن‌جا داشت؛ چنان‌که فاهی سین جهان‌گرد چینی (قرن پنجم ق.م) می‌نویسد: صد معبد بودایی در آن‌جا بر پا بوده است. ورود اسلام به اوده موجب پا گرفتن بناهای ارزنده‌ای شد. برای نمونه، مزار شاه مینا در مچی بهون، مقبره شیخ ابراهیم چشتی در لکنهو و مسجد بابر نزدیک محل تولد راما، از آثار مهم دوره اسلامی پیش از نُواب اوده است (Srivastava, 1974: 313-314) باری، شکوفایی معماری اوده از دوره نُواب آغاز شد که خود دنباله سبک دهلی به شمار می‌رفت.

انتقال پایتخت از فیض‌آباد به لکنهو و ایجاد بنای باشکوهی به نام امام‌باره آصف الدوله (۱۲۰۵ ق) از مهم‌ترین کارهای آصف الدوله چهارمین نُواب اوده بود. این امام‌باره تالاری بسیار گسترده و



شکوه‌مند (به طول ۵۰ متر و عرض ۱۵/۳ متر) دارد که در دو طرف آن ایوان‌هایی هشت‌متری است و حجره‌های هشت‌گوشه‌ای (به عرض پانزده متر) در بخش پایانی‌اش ساخته شده است. آصف الدوله می‌خواست این سازه هیچ نمونه‌ای نداشته باشد و در زیبایی و شکوه سرآمد همه بناهای مشابه آن باشد. از این‌رو، هر سال کمابیش چهار تا پنج لک ۱ روپیه در تزئین امام‌باره هزینه می‌کرد و کف و سقف تالارهای آن را با مواد طلا و نقره می‌پوشاند و به همین سبب، شکوه و جلال دربار لکهنو در سنجش با دربار دهلی افزون‌تر شد (Koch, 1994, 132).

مهم‌ترین امام‌باره، در عهد غازی‌الدین حیدر ساخته شد؛ چنان‌که معماری لکهنو از این زمان به بعد، شکل و روح تازه‌ای یافت. شبیه‌سازی آرام‌گاه‌های شیعه (از کربلا، نجف و سامرا) در مناطق گوناگون لکهنو از دیگر آثار مذهبی اوده است. از زمان غازی‌الدین حیدر که با حمایت کمپانی هند شرقی خودش را پادشاه خواند، دولت اوده استقلال تام یافت و طرح‌های معماری ایرانی و شیعی را از این پس در آن‌جا به کار بست.

شکوفایی زبان اردو در روزگار حاکمیت کارگزاران ایرانی بر اوده

دهلی بر اثر حمله نادرشاه به هند و قتل عام مردم آن‌جا و یورش‌های سردار شاهی احمد شاه درانی افغان، به انحطاط گرایید، اما نواب اوده در لکهنو برخاستند و نیرو گرفتند. ایرانیان بر اثر تعصب اورنگ زیب و جانشینان او به هند سفر نمی‌کردند، اما ایرانی بودن نواب اوده و سیاست و گرایش آنان به تشیع، زمینه را برای تجدید سفر آنان به هند فراهم کرد. البته این بار بیش‌تر مسافران علمای دین، طلاب، اهل منبر و وعاظ بودند که قانون تشیع را برای دولت لکهنو تدوین و محاکم آن دولت را می‌گرداندند و در مساجد و حسینیه‌ها شعائر مذهبی حکومت شیعه اوده را اجرا می‌کردند و می‌گسترند.

گرایش حکمرانان اوده به فارسی و اردو که بیش‌تر به این دو زبان شعر می‌سرودند، زمینه را برای سفر شاعران اردو همچون میر، سودا، مصحفی، رنگین و انشاء‌الله‌خان به لکهنو، بلکه پرورش غزل‌سرایانی همچون نظیر، ذوق، مؤمن در آن‌جا فراهم کرد (Bahri, 1960:29-30).

لکهنو به‌ویژه دربار و مجالس اعیانش، در این زمان در شهوات غرق بود و از این‌رو، نوعی غزل اردو در آن‌جا پدید آمد که مورخان ادبیات اوده آن را «غزل ریخته» می‌خوانند. این گونه غزل را در وصف مراودات عاشقانه، باده، شرح فراق و وصال و بیان حُسن کلام و خرام و زیبایی اندام «بیگمات» پری‌پیکر لکهنو می‌سرودند. با توجه به اینکه تشیع در لکهنو شعار استقلال و مذهب رسمی بود، آیین عزاداری عاشورا و شبیه‌گردانی، تعزیه‌خوانی و روضه‌خوانی و دسته‌گردانی عزا، در آن‌جا رونق گرفت. تعزیه‌نامه‌ها در امام‌باره (حسینیه)‌های باشکوه شهر به فارسی و اردو خوانده می‌شد و هر دو زبان برای مخاطبان به یک‌سان مفهوم بود (مشایخ فریدنی، ۱۳۶۵: ۹-۱۰).

۱. معادل صد هزار روپیه. شاه‌کارهای شعری گریه‌آور در وصف واقعه طف در این عهد سروده شد که نمونه آنها در فارسی هم نیست. میر بیرعلی انیس و میرزا سلامت علی دبیر از بزرگ‌ترین مرثیه‌سرایان اردو بودند که مرثی





ایشان در دهه اول محرم با آهنگی ویژه خوانده می‌شد. این مرثی اردو همچون غزل ریخته اردو و دیگر شعرهای عهد شاهان اوده در لکهنو ساخته و به صبغه ایرانی و کثرت لغات فارسی ممتاز شد.

نتیجه

منطقه اوده در شمال شبه قاره هند، با توجه به اهمیت جغرافیایی و پیشینه تاریخی‌اش مکان شایسته‌ای برای تأثیرپذیری از فرهنگ و تمدن ایرانی و شیعی به شمار می‌رفت. بنابر بررسی‌های تاریخی، حضور فعال و حاکمیت ایرانیان آن‌جا در جایگاه نواب و پادشاه، در زمانی بسیار استثنایی (مقارن با ضعف گورکانیان و فزونی گرفتن قدرت استعمار انگلستان در شبه قاره هند)، رقم خورد و این تقارن خود در میزان تأثیرگذاری کارگزاران ایرانی مؤثر بود؛ زیرا به‌رغم اینکه ایرانیان توانستند از ضعف گورکانیان بهره ببرند، مانع بزرگی به نام انگلستان از تأثیر کارگزاران ایرانی در فرهنگ و تمدن اوده می‌کاست؛ چنان‌که انگلیسی‌ها با هر وسیله‌ای حتی شایعه‌سازی، تهمت‌زنی و جاسوسی در پی مقابله با ایرانیان شیعی بودند. نواب اوده بر اثر ضعف دولت گورکانی، تجربه نظامی و سیاسی، برخورداری از ذکاوت و شجاعت و به یاری هم‌راهانی وفادار، توانستند اوضاع سیاسی دولت اوده را سامان دهند و با سرکوب شورش‌های داخلی، در راه تثبیت اوضاع گام نهند. دوره پادشاهی اوده با سلطه کمپانی هند شرقی بر شاهان اوده، هم‌زمان بود و به این سبب، ضعف سیاسی و نظامی آرام آرام در دولت اوده رخنه کرد و انگلیسی‌ها سرانجام بر این سرزمین چیره شدند.

کارگزاران ایرانی در تغییر مظاهر فرهنگی اوده تأثیر گذاردند و بر پایه اعتقادی شیعی و پای‌بندی به اجرای مناسک و آدابی که بیش‌تر خاستگاه دینی - مذهبی داشت، به ساخت امام‌باره و حسینیه، اجرای مناسک باشکوه عزاداری محرم، تأسیس حوزه‌های علمیه و تقویت مراجع تقلید، پرداختند. آنان همچنین از گسترش علم، هنر و معماری و ایجاد ساختمان‌های متنوع و جاده‌های گوناگون نیز غافل نبودند؛ چنان‌که لکهنو پس از فیض‌آباد، به پایتخت بدل گشت و شکوه‌مندی آن در سنجش با دهلی، فزونی گرفت. با توجه به ایرانی‌تبار بودن نواب و شاهان اوده، به‌رغم توسعه و رشد زبان اردو، زبان و ادبیات فارسی نیز در آن سامان ریشه دواند؛ چنان‌که نوشتن کتاب با این زبان کهن در سایه توجه حکمرانان اوده، دنبال شد.

References

مآخذ

Ashuri, P.(1956).A Brief History of Muslims. Agra: [Nd.] [In Persian]

آشوری، پرشاد(۱۳۵۹). مختصر تاریخ مسلمانان، آگره: بی نا.

Bahri, Hardev(1960).Persian Influence On Hind, Allah Abad: The Bhara to Press.

Birdwood, Sir George (1915).Report on the Record of the India office, Lon-





don: Humphery Milford.

Brown, Edward G.(1920).Persian Literature under tartar Dominion, Cambridge: University Press.

Elphinstone, Mountstuart (1843) [1841]. The History of India (Vol. 1). London: J. Murray

Irwin, H. C. (1880).The Garden of India, London: W. H .A. Allen co.

Fereshteh , M.Q.(2009).History of the rise of the Mahomedan power in India. Tehran:Society for the National Heritage of Iran publication [In Persian]

فرشته، محمد قاسم بن غلامعلی(۱۳۸۸). تاریخ فرشته، تصحیح دکتر محمد رضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

Jafariyan, R. (2009).Shia Atlas. Tehran: National Geography Organization of Iran. [In Persian]

جعفریان، رسول(۱۳۸۸). اطلس شیعه، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

Juzjani, M. (1984). Nasiri classes. Edited byAbdolhayHabibi,.Tehran : World of Book[In Persian]

جوزجانی، منہاج سراج(۳۶۳۱). طبقات ناصری، تصحیح، مقابله و تحشیه عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.

Hollister, J. N. (1994). The Shī'a of India. Translated by AzarmidokhtMashayekhfaridani. Tehran. UniversityPublicationCenter[In Persian]

هالیستر، جان نورمن(۳۷۳۱). تشیع در هند، ترجمه آذر میدخت مشایخ فریدونی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

Koch, E.(1994). Mughal architecture: an outline of its history and development. Translated by HoseinSoltanzadeh,Teharn:Cultural Research Office [In Persian]

کخ، ابا،(۱۳۷۳). معماری هند، ترجمه حسین سلطان زاده، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی

Kenur, D. (1992). AvadehGardn .Lucknow: Ahmadi Publication [In Persian]

کنور، درگا پرشاد(۱۹۹۲). بوستان اوده، لکهنو: مطبوعه احمدی.

MashayekhFaridani, M.H.(1986). Urdu connections with Persian, Nashre Danesh,5-7.[In Persian]

مشایخ فریدنی، محمد حسین(۱۳۶۵). پیوستگی های اردو با فارسی، فصلنامه نشر دانش، ۵-۷

Marshman, Johnclark(1880). Abridged history of India, London: W.M. Black wood and sons.

Mohammad, G.(1995). Political and literary situation in the Indian court. Ash-ena,5(25) .[In Persian]





غلام ، محمد(۱۳۷۴).اوضاع سیاسی و ادبی در دربار اوده هند، مجله آشنا،۵(۲۵)

Nadavi, A.(2000). History of Islamic invitation and its periods in India, Translated by MohammadqasemQasemi,. Zahedan:SeddighiPublication.[In Persian]

ندوی، ابولحسن علی(۱۳۷۹). تاریخچه دعوت اسلامی و ادوار آن در هند، ترجمه محمد قاسم قاسمی، زاهدان: نشر صدیقی.

NajmulghaniKhan(1919). Avadh History.Lucknow, MunshiNawalKishore[In Persian]

نجم الغنی خان(۱۹۱۹). تاریخ اوده، لکهنو: نولکشور.

Naqavi, A.(1964).Farsi Biography in India and Pakistan, Tehran. Elmi Publication. [In Persian]

نقوی، علی رضا(۱۳۴۳). تذکره فارسی در هند و پاکستان، تهران: انتشارات علمی.

Narayan, B.(1960). Subedarane Avadh. Faizabad: [S.L.][In Persian]

نرائن، برج(۱۹۶۰). صوبه داران اوده، فیض آباد: بی نا.

Radfar, A. (2001). Persian language and literature in the land of Avadh, Persian letter, 6 (2). [In Persian]

رادفر، ابوالقاسم(۱۳۸۰). زبانو ادبیات فارسی در سرزمین اوده، نامه پارسی، ۶(۲).

Sadr e Haj SeyyedJavadi, A. (1996). Encyclopedia of Shi'a . Tehran: Seyed Seed Mohabati[In Persian]

صدر حاج سید جوادی، احمد و دیگران(۵۷۳۱)دائرةالمعارف تشیع، تهران: نشر سید سعید محبتی.

Sirhindi, Y. (2003). Happy Royal History. Edited by Mohammad HedayatHosein. Tehran:AsatirPubliction.[In Persian]

سیهرندی، یحیی بن عبدالله(۲۸۳۱). تاریخ مبارک شاهی، به سعی و تصحیح محمد هدایت حسین، تهران: انتشارات اساطیر.

Sirvastava, A.L. (1974).Shuja – Ud – Doulah of Awadh, Agra.

Sleeman, Maj, Sirw. Gen (1858). A Journey through the Kingdom of Oudh in 1849- 1850, London: Richard Bentley.

Tohns, Tom (1907).Geographical Hands

